

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره شانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۰ (پیاپی ۳۲)
(ویژه‌نامه علوم اجتماعی)

بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی
مطالعه موردی: افراد ۲۰ سال به بالای شهر شیراز

جهانگیر جهانگیری* داریوش بوستانی**
دانشگاه شیراز

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی افراد ۲۰ سال به بالای شهر شیراز می باشد. در این پژوهش، نظریات پارسونز، آلموند و وربا بعنوان چارچوب نظری مورد استفاده قرار گرفت. داده ها بوسیله پرسشنامه از یک نمونه ۵۲۵ نفری از افراد ۲۰ سال به بالا، در خرداد ماه ۱۳۷۹، جمع آوری شدند. متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارتند از: تحصیلات، محل سکونت، منزلت شغلی، میزان نفوذ بر تصمیمات خانوادگی، بحث اجتماعی در مدرسه، مشارکت در تصمیم گیری در محل کار، فراوانی صحبت کردن در مورد مسائل سیاسی، سن، جنس و وضعیت تاهل. متغیر وابسته نیز شامل فرهنگ سیاسی است که طبق نظریه آلموند و پارسونز به سه بخش تقسیم می شود: ۱- جهت گیری شناختی ۲- جهت گیری احساسی ۳- جهت گیری ارزشیابانه. متغیرهای مستقل بطور انتخابی بر روی جهت گیریهای سه گانه سنجیده شدند و نتایج نشان دادند که اغلب متغیرها رابطه معناداری با متغیر وابسته دارند و فرهنگ سیاسی آنها یک فرهنگ سیاسی تابع می باشد.

واژه های کلیدی: ۱- فرهنگ سیاسی ۲- جامعه پذیری سیاسی ۳- جهت گیری شناختی ۴- جهت گیری احساسی ۵- جهت گیری ارزشیابانه ۶- فرهنگ مدنی.

* استادیار بخش علوم اجتماعی.

** دانشجوی دوره دکترا بخش علوم اجتماعی

۱. مقدمه

۱.۱. اهمیت تحقیق

در طول تاریخ، از زمانی که دولت بوجود آمد، مردم همواره به نوعی خاص به آن می‌نگریسته‌اند و در هر دوره ای به روش خاصی رابطه خود را با دولت و نظام سیاسی تنظیم می‌کرده‌اند. کنش متقابل بین مردم و نظام سیاسی باعث پیدایش ایستاره‌هایی^۱ در ذهن مردم شده، این ایستاره‌ها و نحوه نگرش به نظام سیاسی از جامعه ای به جامعه دیگر یا حتی از گروهی به گروه دیگر متفاوت است. دانشمندان علوم اجتماعی این ایستاره‌ها را «فرهنگ سیاسی»^۲ می‌نامند. واژه فرهنگ سیاسی، ظاهراً اولین بار توسط آلموند و پاول^۳ بکار گرفته شد. آنها فرهنگ سیاسی را اینگونه تعریف کرده‌اند، «فرهنگ سیاسی عبارتست از یک توزیع خاص از مواضع سیاسی، ارزشها، احساسات، اطلاعات و مهارتها. به همان روشی که نگرشهای افراد بر آنچه انجام می‌دهند، تأثیر می‌گذارد، فرهنگ سیاسی یک ملت، بر رفتار شهروندان و رهبران آن در سراسر نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد» (آلموند و پاول، ۱۹۹۲: ۳۹).

۱.۲. بیان مسأله

نظریه پردازان فرهنگ سیاسی معتقدند که علت توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی سیاسی را می‌توان با استفاده از مقوله فرهنگ سیاسی توضیح داد. مفهوم فرهنگ سیاسی در این رهیافت بر مفروضات زیر مبتنی است. ۱- در هر جامعه ای یک فرهنگ سیاسی معین به فرایندهای سیاسی آن جامعه، معنا و جهت می‌دهد. ۲- رفتار سیاسی در یک جامعه از یک سلسله باورها، احساسها و شناختها ریشه می‌گیرد. ۳- این باورها، احساسات و شناختها، بنابر الگو و انگاره خاصی تحول می‌یابند و نه بر حسب اتفاق. ۴- فرد این باورها و احساسات و ارزشها را درونی می‌کند و اینها بصورت جزیی از شخصیت افراد و منشأ رفتار آنها در می‌آید (رزاقی، ۱۳۷۵: ۲۰۱).

۱.۳. اهداف تحقیق

از عمده ترین اهداف این تحقیق، شناسایی فرهنگی سیاسی جامعه آماری مورد نظر می‌باشد. از دیگر اهداف این پژوهش، بررسی نقش عوامل تعیین کننده‌ای چون تحصیلات، منزلت شغلی، محل سکونت، جامعه پذیری سیاسی و ... است. اهمیت چنین تحقیقاتی با توجه به شرایط در حال گذار جامعه ما مشخص است.

۲. مروری بر تحقیقات پیشین

۲.۱. تحقیقات داخلی

سریع القلم در مقاله‌ای با عنوان: «مبانی عشیره ای فرهنگ سیاسی ایران» از روش

تاریخی - تطبیقی استفاده می‌کند. مبنا و پایه بحث وی در این تحقیق، عقلانیت فرهنگی است. دو مفهوم فرهنگ عشیره‌ای و فرهنگ سیاسی عقلانی، مجموعه بحث را سازماندهی می‌کنند. مصادیق و دوره‌های مورد بررسی، دوره‌های قاجاریه، پهلوی اول و پهلوی دوم است. وی سعی کرده پایه‌های فرهنگ سیاسی مسلط در ایران را از فرهنگ سیاسی عشیره‌ای استنتاج کند. به این دلیل که نظام‌های سیاسی ایران تا پیش از آغاز سلسله پهلوی ریشه عشیره‌ای داشته‌اند. وی بیان می‌کند که فرهنگ سیاسی ایران در طول تاریخ معرف آن است که دایره اعتماد میان افراد و به تبع آن، نهادها، سازمانها و مؤسسات، بسیار اندک و محدود است. یکی از آثار این کم‌اعتمادی، واگذاری نقش‌های اجتماعی و سیاسی بر مبنای تعلقات خویشاوندی و قومی است. ایشان ویژگی‌های زیادی را، برای فرهنگ عشیره‌ای ایران برمی‌شمارد و علل شکست نوسازی در ایران را در این ویژگیها جستجو می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۷۷).

ماروین زونیس^۲ قبل از انقلاب در ایران تحقیقی بنام «نخبگان سیاسی ایران» انجام داده است. وی در مطالعه خود سعی کرده، برخی از پارامترهای فرهنگ سیاسی نخبگان آن دوره را بررسی کند. متغیرهای محوری وی که بطور دقیقی اندازه‌گیری شده‌اند، عبارتند از: بد بینی سیاسی، بی‌اعتمادی در روابط شخصی، احساس عدم امنیت و سوء استفاده بین افراد. زونیس در برخی از تحلیلهای آماری خود به این نتیجه رسیده که جهت گیری به طرف شاه، در مقابل میزان احساس عدم امنیت قرار دارد. هرچه میزان احساس عدم امنیت بیشتر باشد، وابستگی یا احساس تعلق آنها به شاه کمتر است. وی همچنین نشان داده است که سطح پایگاه اجتماعی فرد، به طور مثبتی با میزان احساس عدم امنیت رابطه دارد و هرچه میزان نفوذ آنها بیشتر باشد، بیشتر احساس عدم امنیت می‌کنند. از دیگر یافته‌های زونیس می‌توان به این موارد اشاره کرد، هرچه فعالیت سیاسی بیشتر شود، میزان بی‌اعتمادی نیز افزایش پیدا می‌کند. و هر چه فعالیت سیاسی بیشتر شود، میزان احساس عدم امنیت، بالاتر می‌رود (زونیس، ۱۹۷۱).

۲.۲. تحقیقات خارجی

یکی از برجسته‌ترین کارهایی که تاکنون در زمینه فرهنگ سیاسی انجام شده، کار آلموند و وریا^۳ در کتاب «فرهنگ مدنی»^۴ است. این مطالعه به روش کتبی و با استفاده از یک نمونه ۵۰۰۰ نفری صورت گرفته و در چارچوب مطالعات سیاست تطبیقی گنجانده می‌شود. جوامع مورد مطالعه عبارتند از ۵ کشور آمریکا، انگلستان، آلمان، مکزیک و ایتالیا. این دو اندیشمند با توجه به نوع جهت‌گیری افراد به سوی نظام سیاسی به تقسیم بندی فرهنگهای سیاسی آنها پرداخته و ویژگیهای خاص آنها را مشخص نموده‌اند. آنها نشان داده‌اند که در انگلستان و آمریکا، پسین جهت‌گیریهای مشارکتی و تابعیت، تعادل برقرار است. در میان ایتالیاییها بیگانگی گسترده‌ای به چشم می‌خورد. در مکزیک، شهروندان غالباً از نهادها و خط مشی‌های دولت بیگانه هستند، ولی به علت نماد احساسی انقلاب مکزیک، وفاداری به نظام وجود دارد. آلمانیها بیشتر مایل به

تبعیت از خارجیها و سیاستگذارهای دولت بودند. بررسی این فرهنگها برای رسیدن به فرهنگ مدنی است که از نظر این محققین ترکیبی از سه نوع فرهنگ مشارکتی، منفعل و محلی محسوب می‌شوند. در فرهنگ مدنی، تعداد فعالان در سیاست بیشتر از افراد منفعل می‌باشد، وفاق وجود دارد، دارای تنوع است و تغییر و دگرگونی در جامعه را اجازه می‌دهد. نهایتاً با لحاظ معیارهای فرهنگ مدنی، کشور انگلستان دارای بیشترین شاخص این فرهنگ است، آمریکا و آلمان در رده های بعدی، ایتالیا و مکزیک در آخر قرار می‌گیرند (آلموند و وربا، ۱۹۶۵).

پل زیگموند^۷ در آمریکای لاتین به بررسی فرهنگ سیاسی و تأثیر مسیحیت بر آن می‌پردازد. وی در پژوهش خود، «دموکراسی مسیحی، آزادسازی دینی و فرهنگ سیاسی در آمریکای لاتین» بیان می‌کند که مذهب یک منبع مهم جهت‌گیرهای ارزشی است و بایستی این انتظار را داشته باشیم که مذهب می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر فرهنگ سیاسی و سپس دموکراسی داشته باشد. زیگموند پیدایش جهت‌گیرهای کاتولیکی جدید را به طرف سیاست در آمریکای لاتین بعد از جنگ جهانی دوم تعقیب می‌کند. وی نشان می‌دهد که تغییرات حاصله در تفکر کاتولیکی نه تنها بر روندهای سیاسی تأثیر می‌گذارد (یا آنرا در جهت دموکراسی یا ضد دموکراسی) تقویت می‌کند، بلکه در آغاز، بوسیله این تغییرات سیاسی، شکل می‌گیرد. نتیجه این تغییرات هم در نظر و هم در عمل یک تغییر پایه‌ای در نقش سیاسی کاتولیک‌گرایی در آمریکای لاتین "از یک دیواره اقتدارگرای سنت‌گرا به پایه‌گذاری عمده چندگرایی ایدئولوژیکی و آزادی سیاسی بوده است" (زیگموند به نقل از دیاموند، ۲۲۸-۲۱۱؛ ۱۹۹۴).

۳. چارچوب نظری

در مطالعه حاضر، تلفیقی از نظریه عمومی کنش پارسونز^۸ و نظریه آلموند و وربا به عنوان چارچوب نظری مطرح می‌شود. تئوری عمومی کنش پارسونز دارای عناصر و مفاهیمی است که از آنها می‌توان به‌عنوان ابزاری برای تحلیل فرهنگ سیاسی سود جست. این عناصر عبارتند از:

- ۱- کنش و نظامهای کنش ۲- کنشگر ۳- وضعیت کنش ۴- جهت‌گیری کنشگر بسوی وضعیت (پارسونز و شیلز، ۷۰-۵۵؛ ۱۹۵۱). در اینجا تمرکز بر روی عنصر چهارم، یعنی جهت‌گیری کنشگر بسوی وضعیت است که به سه نوع جهت‌گیری تقسیم می‌شود:
- ۱- جهت‌گیری شناختی^۹ ۲- جهت‌گیری احساسی^{۱۰} ۳- جهت‌گیری ارزشیابانه^{۱۱}.

آلموند و وربا در اثر معروف خود «فرهنگ مدنی» منظور از فرهنگ سیاسی را اینگونه بیان می‌کنند: «زمانیکه ما از فرهنگ سیاسی یک جامعه صحبت می‌کنیم به نظامهای سیاسی، آنچه‌آنکه در شناخت احساسات و ارزشیابی افراد آن نظام درونی شده اند بر می‌گردیم» (آلموند و وربا، ۱۳: ۱۹۶۳). پس شناخت، احساسات و ارزشیابی افراد در ارتباط با ساختار سیاسی، هسته اصلی مفهوم فرهنگ سیاسی را تشکیل می‌دهند. این سه مقوله با نظام سیاسی در تعامل

است و این تعامل منجر به شکل گیری فرهنگ سیاسی در هر کشوری می شود. دو مفهوم کلیدی که در این تحقیق از آنها استفاده می شود، درونداها^{۱۲} و برونداها^{۱۳} هستند که از رویکردهای سیستمی اخذ شده اند. درونداها به دو بخش تقاضاها و حمایتها تقسیم می شوند. منظور از تقاضاها، همان درخواست افراد برای مشارکت در فرایندهای سیاسی، توزیع متناسب کالاها و خدمات، انتقال اطلاعات و ... می شود. منظور از حمایتها، حمایتهای سیاسی از جمله رأی دادن و مشارکت در مبارزات سیاسی و تمکین شهروندان به قوانین است. اما برونداها، به بعد اجرایی و سیاستگذاریهای نظام سیاسی مربوط می شود.

در این پژوهش فرهنگ سیاسی حاصل جهت گیریهای سه گانه (شناختی، احساسی و ارزشیابانه) نسبت به دو بعد درونداها و برونداهاست. جهت گیریها اینگونه تعریف می شوند.

۱. جهت گیری شناختی: یعنی دانش و باور فرد در مورد نظام سیاسی، نقشها، متصدیان نقشها، درونداها و برونداهایش.

۲. جهت گیری احساسی: احساسات فرد در مورد نظام سیاسی، نقشها، اشخاص و شیوه

عمل آن.

۳. جهت گیری ارزشیابانه: قضاوتها و نظرات افراد در مورد موضوعات سیاسی که ترکیبی از معیارهای ارزشی است و با اطلاعات و احساسات سرو کار دارند (آلموند و وربا، ۱۴: ۱۹۶۳).

آلموند به سه نوع فرهنگ سیاسی اشاره می کند: ۱- فرهنگ سیاسی محدود^{۱۵} ۲- فرهنگ سیاسی تابع^{۱۶} ۳- فرهنگ سیاسی مشارکتی^{۱۷}.

فرهنگ سیاسی محدود: کسی که چنین فرهنگی دارد نسبت به نظام سیاسی بی اطلاع است، در جهت درونداها و برونداها جهت گیری ندارد، نسبت به حقوق و وظایف خود بی اطلاع می باشد.

فرهنگ سیاسی تابع: در این نوع فرهنگ، افراد از نظام سیاسی آگاهی دارند و نسبت به برونداها جهت گیری می کنند ولی در درونداها مشارکت نمی کنند.

فرهنگ سیاسی مشارکتی: فردی که چنین فرهنگی دارد از هر دو بعد درونداها و برونداها مطلع است، مشارکت کننده است و به وظایف و حقوق خود آگاه است (قبلی، ۱۸-۱۷).

آلموند و وربا همچنین به ترکیبی از این سه نوع فرهنگ اشاره می کنند که عبارتند از: ۱- فرهنگ سیاسی تابع - محدود ۲- فرهنگ سیاسی تابع - مشارکتی ۳- فرهنگ سیاسی مشارکتی - محدود.

فرضیات تحقیق با توجه به چارچوب نظری مطرح شده، عبارتند از:

۱. هرچه تحصیلات فرد بالاتر رود جهت گیری شناختی او نسبت به درونداها افزایش پیدا می‌کند.
۲. میزان تحصیلات با جهت گیری احساسی نسبت به درونداها ارتباط دارد.
۳. منزلت شغلی فرد با جهت گیری ارزشیابانه نسبت به برونداها ارتباط دارد.
۴. محل سکونت (مناطق اقتصادی اجتماعی) با جهت گیری شناختی نسبت به درونداها دارد.
۵. میزان نفوذ بر تصمیمات خانوادگی با جهت گیری شناختی نسبت به درونداها ارتباط دارد.
۶. بحث اجتماعی در مدرسه با جهت گیری شناختی نسبت به برونداها ارتباط دارد.
۷. بحث اجتماعی در مدرسه با جهت گیری ارزشیابانه نسبت به درونداها ارتباط دارد.
۸. مشارکت در تصمیم‌گیری در محل کار با جهت گیری شناختی نسبت به درونداها ارتباط دارد.
۹. جنسیت با جهت گیری شناختی نسبت به درونداها ارتباط دارد.
۱۰. جنسیت با جهت گیری ارزشیابانه نسبت به برونداها ارتباط دارد.
۱۱. فراوانی صحبت کردن در مورد مسائل سیاسی با جهت گیری ارزشیابانه نسبت به برونداها ارتباط دارد.
۱۲. سن پاسخگویان با جهت گیری شناختی نسبت به درونداها ارتباط دارد.
۱۳. وضعیت تأهل با جهت گیری ارزشیابانه نسبت به برونداها ارتباط دارد.

۴. روش شناسی

- ۴.۱. روش تحقیق
در این تحقیق از روش کمی بهره گرفته شده و تکنیک مورد استفاده، پیمایش^{۱۸} است.
- ۴.۲. ابزار جمع آوری اطلاعات
ابزار مورد استفاده برای جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه است که شامل سؤالات باز و بسته است و برای سنجش میزان جهت گیری افراد از طیف لیکرت استفاده شده است.
- ۴.۳. آزمون مقدماتی
برای آزمون مقدماتی، با ۳۰ نفر از افسراد جامعه آماری که بطور تصادفی از حوزه‌های مختلف شهر شیراز، انتخاب شدند، مصاحبه بعمل آمد که برخی از سؤالات اصلاح شدند و در ارتباط با گویه‌های طیفها، پس از هم سویه شدن، از شاخص پایایی

«آلفای کرونباخ» استفاده گردید که مقدار آلفا برای همه طیفها بالاتر از ۷۰ درصد بود (به استثنای یکی از طیفها که آلفای آن ۶۸٪ بود و با حذف یک گویه ناهماهنگ، مقدار آلفا به ۷۲٪ رسید).

۴.۴. جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق، افراد ۲۰ سال به بالای شهر شیراز می‌باشند که بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ - تعداد این افراد ۵۵۰،۶۲۵ نفر است.

۴.۵. روش نمونه گیری و حجم نمونه

با توجه به ناهمگنی جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه بندی شده، استفاده گردید. در این پژوهش از نتایج مطالعه مقدس (مقدس، (ب)، ۴۷: ۱۳۷۴) استفاده می‌شود که بر اساس آن، شهر شیراز از لحاظ سطح زندگی و شاخصهای اقتصادی - اجتماعی به شش منطقه همگن تقسیم شده است. این مناطق به ترتیب از بالاترین تا پایین ترین منطقه اقتصادی - اجتماعی را شامل می‌شود. از این مناطق، حوزه هایی بطور تصادفی انتخاب گردید و سپس خانواده‌هایی انتخاب شدند و از افراد واجد شرایط مصاحبه به عمل آمد. در تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و با توجه به پذیرش خطای ۴٪ و سطح اطمینان ۹۵٪، ۵۲۵ نفر انتخاب شدند که از این تعداد با توجه به سهمیه گروههای سنی، جنسی و توزیع آنها در مناطق شش گانه، پرسشگری به عمل آمد.

۴.۶. روشهای آماری تجزیه و تحلیل داده ها

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS^{۱۱} صورت گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها و تعیین سطح معنی داری از روشهای تجزیه و تحلیل دو متغیره استفاده گردید. این آماره‌ها عبارتند از رواسبیرمن^{۲۰} و آزمون تی^{۲۱}

۵. یافته ها

۵.۱. جهت گیری شناختی نسبت به درونداها برحسب تحصیلات

جدول ۱ بیانگر توزیع فراوانی جهت گیری شناختی پاسخگویان نسبت به درونداها بر حسب تحصیلات می‌باشد. داده‌های جدول یک روند صعودی جهت گیری شناختی را همراه با افزایش تحصیلات نشان می‌دهند. ضریب همبستگی اسپیرمن $R_s = ۱/۵۰$ بیانگر رابطه معنادار بین دو متغیر حداقل در سطح ۹۵٪ می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه اول تأیید می‌شود.

جدول ۱

توزیع فراوانی جهت گیری شناختی نسبت به دروندادها بر حسب تحصیلات

جهت گیری نسبت به دروندادها	میزان تحصیلات	بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	کل
ضعیف	۹۷/۱	۸۹/۹	۸۴/۹	۷۳	۶۳/۴	۳۸/۷	۱۸	۱۱	—	۲۳۸ ۶۴/۴
متوسط	۲/۹	۱۰/۷	۱۵/۱	۱۳	۳۶/۶	۵۹/۷	۷۲/۲	۴۴	۲	۱۷۹ ۳۴/۱
قوی	—	—	—	—	—	۱/۶	۹/۸	۶	۱	۸ ۱/۵
کل	۶/۷	۸۴	۱۶	۸۶	۳۶/۳	۱۱/۸	۱۱/۶	۶۱	۲	۵۲۵ ۱۰۰

RS = /۵۰

Sig = /۰۰۰

۵.۲. جهت گیری احساسی نسبت به دروندادها بر حسب تحصیلات

جدول ۲ نشانگر توزیع فراوانی جهت گیری احساسی پاسخگویان نسبت به دروندادها بر حسب تحصیلات می باشد. داده های جدول نشان می دهند که هر چه تحصیلات افراد بالاتر رود از میزان جهت گیری احساسی افراد نسبت به دروندادها کاسته می شود. ضریب همبستگی اسپیرمن با مقدار ۱۰/ - رابطه معنادار معکوس بین دو متغیر را حداقل در سطح ۹۵٪ تأیید می کند.

جدول ۲

توزیع فراوانی جهت گیری احساسی نسبت به دروندادها بر حسب تحصیلات

جهت گیری نسبت به دروندادها	میزان تحصیلات	بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	کل
ضعیف	۱۰/۷	۸۹/۳	۱۵/۱	۱۳	۲۲	۱۷/۷	۲۳	۱۴	۱	۹۱ ۱۷/۳
متوسط	۹۷/۱	۸۹/۳	۷۵	۶۸	۷۲/۸	۷۹	۷۲/۱	۴۴	۱	۴۱۳ ۷۸/۷
قوی	۲/۹	—	—	۵	۵/۲	۲/۳	۳/۹	۲	—	۲۱ ۲
کل	۶/۷	۸۴	۱۶	۸۶	۳۶/۳	۱۱/۸	۱۱/۶	۶۱	۲	۵۲۵ ۱۰۰

RS = /۱۰۷۸

Sig = /۰۱۳

۵.۳. منزلت شغلی^{۲۲} با جهت گیری ارزشیابانه نسبت به برون دادها

جدول ۳ نمایانگر توزیع فراوانی جهت گیری ارزشیابانه پاسخگویان نسبت به برون دادها بر حسب منزلت شغلی می باشد. با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن $RS = ۰.۳$ رابطه معنی داری بین دو متغیر وجود ندارد.

جدول ۳

توزیع فراوانی جهت گیری ارزشیابانه نسبت به برون دادها بر حسب منزلت شغلی

کل	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	منزلت شغلی	
								جهت گیری ارزشیابانه نسبت به درون دادها	ضعیف
۲۳	۲	۶	۱	۴	۵	۵	--		
۹/۱	۲۰	۱۴/۶	۹/۱	۴/۹	۶/۵	۲۰			
۲۱۰	۷	۳۱	۹	۷۰	۶۶	۲۰	۷		
۸۳/۳	۷۰	۷۵/۶	۸۱/۸	۸۶/۴	۵۸/۷	۸۰	۱۰۰		
۱۹	۱	۴	۱	۷	۶	--	--		
۷/۵	۱۰	۹/۸	۹/۱	۸/۶	۷/۸				
۲۵۲	۱۰	۴۱	۱۱	۸۱	۷۷	۲۵	۷		
۱۰۰	۴	۱۶/۳	۴/۴	۳۲/۲	۳۰/۶	۹/۹	۲/۸		

RS = ۰.۳۱

Sig = ۰.۶۱۴

۵.۴. محل سکونت (مناطق شش گانه اقتصادی - اجتماعی) با جهت گیری شناختی

نسبت به درون دادها

جدول ۴ توزیع فراوانی جهت گیری شناختی پاسخگویان نسبت به درون دادها را بر حسب مناطق شش گانه اقتصادی - اجتماعی نشان می دهد. داده ها نشان می دهند، مناطقی که از لحاظ شاخصهای اقتصادی - اجتماعی وضعیت بهتری دارند از جهت گیری شناختی شدیدتری برخوردارند. ضریب اسپیرمن با مقدار ۰.۰۹۱ نشانگر رابطه معنادار بین دو متغیر، حداقل در سطح ۰.۰۵ می باشد.

جدول ۴

توزیع فراوانی جهت گیری شناختی نسبت به دروندادها بر حسب مناطق شش گانه اقتصادی - اجتماعی

کل	۶	۵	۴	۳	۲	۱	منزلت شغلی
							جهت گیری ارزشیافته نسبت به دروندادها
۳۳۸	۱۰۵	۵۷	۹۱	۴۰	۲۵	۲۰	ضعیف
۶۴/۴	۷۰/۹	۵۷	۷۰	۶۶/۷	۶۲/۵	۴۲/۶	
۱۷۹	۴۱	۴۱	۳۸	۲۰	۱۳	۲۶	متوسط
۳۴/۱	۲۷/۷	۴۱	۲۹/۲	۳۳/۳	۳۲/۵	۵۵/۳	
۸	۲	۲	۱	—	۲	۱	قوی
۱/۵	۱/۴	۲	۰/۸		۵	۲/۱	
۵۲۵	۱۴۸	۱۰۰	۱۳۰	۶۰	۴۰	۲۷	کل
۱۰۰	۲۸/۲	۱۹	۲۴/۸	۱۱/۴	۷/۶	۹	

Rs = ۰/۰۹۱

Sig = ۰/۳۷۰

۵.۵. میزان نفوذ بر تصمیمات خانوادگی^{۲۳} با جهت گیری شناختی نسبت به دروندادها

جدول ۵ نمایانگر توزیع فراوانی جهت گیری شناختی پاسخگویان نسبت به دروندادها بر حسب نفوذ بر تصمیم گیری خانوادگی است. همانطور که داده های جدول نشان می دهند، هر چقدر افراد نفوذ بیشتری بر تصمیمات خانوادگی داشته باشند از جهت گیری شناختی شدیدتری نسبت به دروندادها برخوردارند. یعنی اینکه آنها زمینه مساعدتری برای فرهنگ سیاسی مشارکتی دارند. ضریب اسپیرمن با مقدار ۰/۲۸ نشانگر رابطه معنادار بین دو متغیر، حداقل در سطح ۹۵٪ می باشد.

۵.۶. میزان بحث اجتماعی در مدرسه با جهت گیری شناختی نسبت به برون دادها

جدول ۶ توزیع فراوانی جهت گیری شناختی نسبت به برون دادها را بر حسب میزان بحث اجتماعی در مدرسه نشان می دهد. داده های جدول نشان می دهند که آنهایی که در دوران مدرسه، در مورد مسائل اجتماعی بیشتر بحث می کردند از جهت گیری شناختی شدیدتری نسبت به برون دادها برخوردارند. در واقع، این متغیر یکی متغیرهای جامعه پذیری سیاسی است که به رشد و بالندگی فرهنگ سیاسی اعضای یک جامعه کمک می کند. ضریب همبستگی اسپیرمن $RS = ۰/۲۴$ بیانگر رابطه معنادار بین دو متغیر حداقل در سطح ۹۵٪ می باشد.

جدول ۵

توزیع فراوانی جهت گیری شناختی نسبت به درونداها بر حسب میزان نفوذ تصمیم گیری خانوادگی

کل	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	نفوذ خیلی کم	عدم نفوذ	جهت گیری شناختی نسبت به درونداها
						میزان نفوذ بر تصمیمات خانواده
۲۳۸	۸	۲۶	۹۱	۸۷	۱۲۶	ضعیف
۶۴/۴	۶۶/۷	۴۰	۵۶/۲	۶۴/۴	۸۲/۴	
۱۷۹	۴	۳۴	۷۰	۴۶	۲۵	متوسط
۳۴/۱	۳۳/۳	۵۲/۳	۴۳/۲	۳۴/۱	۱۶/۶	
۸	—	۵	۱	۲	۱	قوی
۱/۵		۷/۷	۰/۶	۱/۵	۲/۱	
۵۲۵	۱۲	۶۵	۱۶۲	۱۳۵	۱۵۱	کل
۱۰۰	۲/۳	۱۲/۴	۳۰/۹	۲۵/۷	۲۸/۸	

Rs = ۰/۰۹۱

Sig = ۰/۳۷۰

جدول ۶

توزیع فراوانی جهت گیری شناختی نسبت به پرونداها بر حسب بحث اجتماعی در مدرسه.

کل	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	خیلی کم	عدم بحث	بحث اجتماعی در مدرسه
						جهت گیری شناختی نسبت به پرونداها
۲۱۸	۶	۱۹	۴۳	۵۹	۹۱	ضعیف
۴۳/۸	۳۰	۳۳/۳	۳۲/۱	۴۱	۶۲/۶	
۲۰۰	۱۰	۲۵	۶۴	۶۰	۴۱	متوسط
۴۰/۲	۵۰	۴۳/۹	۴۷/۸	۴۱/۷	۲۸/۷	
۸۰	۴	۱۳	۲۷	۲۵	۱۱	قوی
۱۶/۱	۲۰	۲۲/۸	۲۰/۱	۱۷/۴	۷/۷	
۴۹۸	۲۰	۵۷	۱۳۴	۱۴۴	۱۴۳	کل
۱۰۰	۴	۱۱/۴	۲۶/۹	۲۸/۹	۲۸/۷	

Rs = ۰/۲۴

Sig = ۰/۰۰۰

۷. میزان بحث اجتماعی در مدرسه با جهت گیری ارزشیابانه نسبت به درونداها جدول ۷ نمایانگر توزیع فراوانی جهت گیری ارزشیابانه نسبت به درونداها بر حسب میزان بحث اجتماعی در مدرسه می باشد. داده های جدول رابطه خاصی را نشان نمی دهند. ضریب همبستگی اسپیرمن $RS = ۰/۰۰۳$ رابطه معنی دار بین دو متغیر را تأیید نمی کند.

جدول ۷

توزیع فراوانی جهت گیری ارزشیابانه نسبت به دروندادها بر حسب بحث اجتماعی در مدرسه

کل	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	خیلی کم	عدم بحث	بحث اجتماعی در مدرسه
						جهت گیری شناختی نسبت به دروندادها
۶۲	۳	۷	۱۸	۲۱	۱۳	ضعیف
۱۲/۴	۱۵	۱۲/۳	۱۳/۴	۱۴/۶	۹/۱	
۳۹۳	۱۶	۴۵	۱۰۲	۱۰۷	۱۲۳	متوسط
۷۸/۹	۸۰	۷۸/۹	۷۶/۱	۷۴/۳	۸۶	
۴۳	۱	۵	۱۴	۱۶	۷	قوی
۸/۶	۵	۸/۸	۱۰/۴	۱۱/۱	۳/۹	
۴۹۸	۲۰	۵۷	۱۳۴	۱۴۴	۱۲۳	کل
۱۰۰	۴	۱۱/۴	۲۶/۹	۲۸/۹	۲۸/۷	

RS = ۰/۰۰۳

Sig = ۰/۹۴۱

۸.۵. مشارکت در تصمیم گیری در محل کار با جهت گیری شناختی نسبت به دروندادها

جدول ۸ توزیع فراوانی جهت گیری شناختی نسبت به دروندادها را برحسب مشارکت در تصمیم گیری در محل کار نشان می دهد. با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن $RS = ۰/۰۸$ رابطه معنی داری بین دو متغیر وجود ندارد.

جدول ۸

توزیع فراوانی جهت گیری شناختی نسبت به دروندادها بر حسب مشارکت در تصمیم گیری در محل کار

کل	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	خیلی کم	عدم مشارکت	مشارکت در تصمیم گیری در محل کار
						جهت گیری شناختی نسبت به دروندادها
۷۰	۹	۱۹	۲۹	۹	۴	ضعیف
۴۲/۵	۳۲/۱	۴۶/۳	۴۵/۳	۵۲/۹	۳۶/۴	
۸۵	۱۷	۲۰	۳۴	۷	۷	متوسط
۵۲/۸	۶۰/۷	۴۸/۸	۵۳/۱	۴۲/۲	۶۲/۶	
۶	۲	۲	۱	۱	—	قوی
۳/۷	۷/۱	۳/۹	۱/۶	۵/۹		
۱۶۱	۲۸	۴۱	۶۴	۱۷	۱۱	کل
۱۰۰	۱۷/۴	۲۵/۵	۳۹/۸	۱۰/۶	۶/۸	

RS = ۰/۰۸

Sig = ۰/۳۰۷

۵.۹. رابطه جنسیت با جهت گیری شناختی نسبت به درونداها

با توجه به فرضیه بنظر می رسد که بین جنسیت و جهت گیری شناختی نسبت به درونداها رابطه وجود دارد. همانطور که جدول ۹ نشان می دهد نتایج حاصل از آزمون T فرضیه فوق را تأیید می کند و از لحاظ آماری رابطه معناداری را نشان می دهد. میانگین نمره جهت گیری شناختی مردان برابر با $2/34$ است که بالاتر از میانگین نمره زنان، یعنی $1/66$ است. تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون T با مقدار $T = 4/26$ حداقل در سطح 0.95 معنی دار است.

جدول ۹

آزمون تفاوت میانگین جهت گیری شناختی نسبت

به درونداها بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	میانگین نمره M	انحراف معیار SD	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۲۶۲	۲/۳۴	۱/۹۵	۴/۲۶	۱۰۰۰
زن	۲۶۳	۱/۶۶	۱/۷۲		

۵.۱۰. رابطه جنسیت و جهت گیری ارزشیابانه نسبت به برونداها

با توجه به فرضیه به نظر می رسد که بین جنسیت و جهت گیری ارزشیابانه نسبت به برونداها رابطه وجود دارد جدول ۱۰.۵ این فرضیه را تأیید می نماید. مقدار T بر رابطه معنادار دلالت می کند. میانگین نمره زنان بیشتر از مردان است. تفاوت مشاهده شده به لحاظ آماری بر مبنای آزمون T با مقدار $T = -2/72$ حداقل در سطح 0.95 ($P = 1007$) معنی دار است.

جدول ۱۰

آزمون تفاوت میانگین جهت گیری ارزشیابانه نسبت به

برونداها بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	میانگین نمره M	انحراف معیار SD	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۲۶۲	۱۹/۷۰	۵/۱۶	-۲/۷۲	۰/۰۰۷
زن	۲۶۳	۲۰/۸۴	۴/۳۷		

۵.۱۱. فراوانی صحبت کردن در مورد مسائل سیاسی با جهت گیری احساسی

نسبت به برونداها

جدول ۱۱ بیانگر توزیع فراوانی جهت گیری احساسی پاسخگویان نسبت به برونداها بر حسب فراوانی صحبت کردن در مورد مسائل سیاسی است. داده های جدول نشان می دهند که هرچه افراد بیشتر در مورد مسائل سیاسی صحبت کنند از میزان جهت گیری احساسی آنها

نسبت به درونداها کاسته می‌شود. ضریب همبستگی اسپیرمن $RS = -0.16$ بیانگر رابطه معنادار بین دو متغیر حداقل در سطح ۹۵٪ می‌باشد.

جدول ۱۱

توزیع فراوانی جهت گیری احساسی نسبت به درونداها
بر حسب فراوانی صحبت کردن در مورد مسائل سیاسی.

کل	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	خیلی کم	عدم صحبت	فراوانی صحبت در مورد مسائل سیاسی
						جهت گیری شناختی نسبت به درونداها
۱۱۵	۱۶	۲۳	۴۰	۲۰	۱۶	ضعیف
۲۱/۹	۵۷/۱	۳۲/۴	۲۱/۷	۱۳	۱۸/۲	
۳۳۸	۱۲	۴۵	۱۳۴	۱۲۷	۷۰	متوسط
۷۲/۹	۴۲/۹	۶۳/۴	۷۲/۸	۸۲/۵	۷۹/۵	
۲۲	—	۳	۱۰	۷	۲	قوی
۴/۲		۴/۲	۵/۴	۴/۵	۲/۳	
۵۲۵	۲۸	۷۱	۱۸۴	۱۵۴	۸۸	کل
۱۰۰	۵/۳	۱۳/۵	۳۵	۲۹/۳	۱۶/۸	

RS = ۰/۱۶

Sig = ۰/۰۰۰

۱۲.۵. رابطه سن با جهت گیری شناختی نسبت به درونداها

جدول ۱۲ توزیع فراوانی جهت گیری شناختی نسبت به درونداها را بر حسب سن پاسخگویان نشان می‌دهد. با توجه به داده های جدول درمی‌یابیم که با افزایش سن، از جهت گیری شناختی نسبت به درونداها کاسته می‌شود. ضریب همبستگی اسپیرمن $RS = -0.27$ بیانگر رابطه معنادار بین دو متغیر حداقل در سطح ۹۵٪ می‌باشد.

جدول ۱۲

توزیع فراوانی جهت گیری شناختی نسبت به درونداها بر حسب سن

کل	۵۰ به بالا	۴۰-۴۹	۳۰-۳۹	۲۰-۲۹	سن
					جهت گیری شناختی نسبت به درونداها
۳۳۸	۸۹	۹۱	۹۱	۹۱	ضعیف
۶۴/۴	۸۳/۲	۶۹/۱	۶۱/۹	۵۲/۳	
۱۷۹	۱۸	۲۸	۵۴	۷۹	متوسط
۳۴/۱	۱۶/۸	۲۸/۹	۳۶/۷	۳۵/۴	
۸	—	۲	۲	۴	قوی
۱/۵		۲/۱	۱/۴	۲/۳	
۵۲۵	۱۰۷	۹۷	۱۴۷	۱۷۴	کل
۱۰۰	۲۰/۴	۱۸/۵	۲۸	۳۳/۱	

RS = ۰/۲۳

Sig = ۰/۰۰۰

۱۳.۵. وضعیت تأهل با جهت گیری ارزشیابانه نسبت به بروندادها

طبق فرضیه به نظر می رسد که بین وضعیت تأهل و جهت گیری ارزشیابانه نسبت به بروندادها رابطه وجود دارد. همانطور که جدول ۱۳ نشان می دهد، نتایج حاصل از آزمون T فرضیه فوق را تأیید می کند، میانگین نمره جهت گیری ارزشیابانه پاسخگویان مجرد ۱۹/۴۵ می باشد که کمتر از میانگین نمره جهت گیری ارزشیابانه متأهلین، یعنی ۲۰/۵۷ می باشد. تفاوت مشاهده شده طبق آزمون T، با مقدار $T = -2/38$ حداقل در سطح ۹۵٪ معنی دار است.

جدول ۱۳

آزمون تفاوت میانگین جهت گیری ارزشیابانه نسبت به بروندادها

بر حسب وضعیت تأهل

جنس	فراوانی	میانگین نمره M	انحراف معیار SD	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۱۴۲	۱۹/۴۵	۴/۱۱	-۲/۳۸	۰/۱
زن	۳۸۲	۲۰/۵۷	۵/۰۲		

۶. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی انجام گرفته است. در این تحقیق چارچوب نظری از نظریات پارسونز، آلmond و وربا انتخاب گردید. محل اجرای تحقیق شهر شیراز بود، جامعه آماری افراد ۲۰ سال به بالای شهر شیراز است. با توجه به عدم همگنی جامعه آماری از روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده استفاده گردید. نهایتاً حجم نمونه ۵۲۵ نفر تعیین و از آنها مصاحبه به عمل آمد. روشهای آماری مورد استفاده عبارتند از: رو اسپیرمن و آزمون تی.

بطور کلی، یافته های تحقیق نشان دادند که هرچه تحصیلات افراد بالاتر رود، آنها شناخت بیشتری از دروندادها، (یعنی تقاضاها و حمایتها) پیدا می کنند و می توانند در فرایندهای سیاسی نقش فعالی را ایفا کنند. همچنین فرضیه دوم بیانگر این نکته است که با افزایش سطح تحصیلات، از جهت گیری احساسی افراد نسبت به دروندادها کاسته می شود. منزلت شغلی افراد با جهت گیری ارزشیابانه نسبت به بروندادها رابطه معناداری را نشان نداد. یافته ها، همچنین نشان دادند که افرادی که در مناطق اقتصادی - اجتماعی بهتری زندگی می کنند از جهت گیری شناختی شدیدتری نسبت به دروندادها برخوردارند، یعنی از پتانسیل بیشتری برای گرویدن به فرهنگ سیاسی مشارکتی برخوردارند. میزان نفوذ بر تصمیمات خانوادگی که یکی از مهمترین متغیرهای جامعه پذیری سیاسی افراد است، رابطه معناداری با جهت گیری شناختی نسبت به دروندادها دارد. میزان بحث اجتماعی در مدرسه نیز از دیگر مؤلفه های جامعه پذیری سیاسی است که با جهت گیری شناختی نسبت به بروندادها رابطه معنی داری را نشان داد، ولی

از طرف دیگر، با جهت‌گیری ارزشیابانه نسبت به دروندادها رابطه معنی داری نداشت. مشارکت در تصمیم‌گیری در محل کار نیز با جهت‌گیری شناختی نسبت به دروندادها رابطه معنی داری نداشت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بین جنسیت و جهت‌گیری شناختی نسبت به دروندادها رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج بدست آمده نمودار آن هستند که مردان در این زمینه از زنان شناخت بیشتری نسبت به تقاضاها و حمایت‌های سیاسی دارند. از طرف دیگر، زنان در مقایسه با مردان از جهت‌گیری ارزشیابانه شدیدتری نسبت به بروندادها (فرایند تصمیم‌گیری و بعد اجزایی سیاست) دارند. با مقایسه دو فرضیه فوق، اینگونه استنباط می‌شود که زنان علیرغم آگاهی کمتر، نمره ارزشیابی بیشتری به بعد اجرایی نظام سیاسی می‌دهند، ولی مردان با شناخت بیشتر، نمره ارزشیابی کمتری به آن می‌دهند. از دیگر متغیرهای کلیدی، فراوانی صحبت در مورد مسائل سیاسی بود که رابطه منفی با جهت‌گیری احساسی نسبت به بروندادها نشان داد. یعنی اینکه هرچه افراد در مورد مسائل سیاسی بیشتر صحبت کنند، از جهت‌گیری احساسی آنها نسبت به بعد اجرایی سیاست کاسته می‌شود (بیگانه تر می‌شوند). نتایج تحقیق نشان دادند که افراد جوان‌تر در مقایسه با افراد مسن آگاهی بیشتری از تقاضاها و حمایتها دارند. همچنین افراد مجرد نسبت به متأهلین از جهت‌گیری ارزشیابانه ضعیف‌تری نسبت به بعد اجرایی سیاست برخوردارند. در ارتباط با تطبیق یافته‌های تحقیق با تئوریه‌ها و تحقیقات مربوط به فرهنگ سیاسی چند نکته قابل ذکر است: از آنجا که فرهنگ سیاسی از تعامل بین نظام سیاسی و مردم شکل می‌گیرد و این رابطه متقابل از کشوری به کشور دیگر متفاوت است نمی‌توان انتظار داشت که فرهنگ سیاسی یک کشور مشابهت زیادی با فرهنگ سیاسی سایر کشورها داشته باشد. متغیرهایی چون جامعه‌پذیری سیاسی که بسیار مورد توجه آلموند و وربا می‌باشند در این پژوهش اهمیت آنها آشکار گردید. اما از آنجا که نوع نظام سیاسی مورد نظر آنها با نظام سیاسی کشور ایران متفاوت است، شباهتهای آنها تنها در جهت‌گیری شناختی بود و در جهت‌گیری احساسی و ارزشیابانه، الگوی متفاوتی بدست آمد. برای مثال یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند افرادی که تحصیلات بالاتری داشتند جهت‌گیری شناختی آنها قوی بوده ولی جهت‌گیری احساسی ضعیفی داشته‌اند، که این الگو بعلاوه نوع نظام سیاسی، متفاوت از یافته‌های آلموند و وربا می‌باشد.

از آنجا که موضوع محوری این پژوهش فرهنگ سیاسی است، لازم دیده شد که برای خاتمه بحث و نتیجه‌گیری با ارائه دو نمودار از یافته‌های کلی، بطور چکیده نکاتی پیرامون فرهنگ سیاسی افراد مورد مطالعه ارائه کنیم. نمودار ۱ و نمودار ۲ نشانگر نمرات پاسخگویان در جهت‌گیریهای سه‌گانه بر مبنای ۱۰ نمره می‌باشد نمودار ۱ بیانگر این نکته است که جهت‌گیری شناختی افراد نسبت به ساختارهای ورودی، مانند احزاب راههای دسترسی به نفوذ، ارتباط و ... بسیار ضعیف می‌باشد.

نمودار ۱

مقیاس سنجش نمره جهت گیری های سه گانه پاسخگویان نسبت به درونداها

	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
جهت گیری شناختی نسبت به درونداها											
جهت گیری احساسی نسبت به درونداها											
جهت گیری ارزشیابانه نسبت به درونداها											

نمودار ۲

مقیاس سنجش نمره جهت گیری های سه گانه پاسخگویان نسبت به برونداها

	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
جهت گیری شناختی نسبت به برونداها											
جهت گیری احساسی نسبت به برونداها											
جهت گیری ارزشیابانه نسبت به برونداها											

در نمودار ۲ جهت گیری شناختی نسبت به برونداها از نمره ۲ در درونداها به ۳/۴ رسیده است که نشان می دهد افراد، بیشتر از وظایف خود آگاهند تا از حقوق خود، که این از ویژگیهای فرهنگ سیاسی تابع است. در نمودار ۱ و نمودار ۲ میانگین نمره جهت گیری احساسی پاسخگویان تقریباً مساوی است و در مرز بی تفاوتی به سمت بیگانگی قرار دارد. جهت گیری ارزشیابانه در هر دو نمودار نمره مشابهی یعنی ۵/۱ را نشان می دهد. این نمره نیز در مرز بی تفاوتی قرار دارد. بطور کلی با ویژگیهایی که بر شمرديم، فرهنگ سیاسی غالب در میان افراد بالای ۲۰ سال شهر شیراز یک فرهنگ سیاسی تابع می باشد، با توجه به اینکه فرهنگ سیاسی از تعامل نظام سیاسی و افراد جامعه حاصل می شود، تغییر فرهنگ سیاسی تابع یا منفعل به فرهنگ سیاسی مشارکتی و فعال در گرو اصلاحات ساختاری در نظام سیاسی کشورمان می باشد.

۷. محدودیتها و پیشنهادات

یکی از محدودیتها و موانع عمده در این تحقیق، حساسیت خاص موضوع است، در جامعه‌ای که محافظه کاری سیاسی و بی اعتمادی طیف وسیعی دارد، پژوهشهایی که درصدد کشف افکار و رفتار سیاسی افراد برمی آیند از انطباق کامل با واقعیت به دور می مانند. فقدان کارهای کمی انجام شده در داخل یکی دیگر از محدودیتهایی است که کاملاً محسوس است. پیشنهاد می شود برای پرداختن به چنین موضوعاتی، به منظور طراحی سؤالات مناسب، دقت زیادی شود و سؤالات حتی الامکان بطور غیر مستقیم طراحی شوند تا حساسیت پاسخگویان را برنیاگزینند.

در ارتباط با ساختار کلان تصمیم گیری در کشورمان بایستی متذکر شد که سطح شناخت و آگاهی سیاسی افراد، بسیار پایین است. این امر نشان از ضعف ساختار آموزشی و فرایند جامعه پذیری سیاسی افراد دارد. لذا پیشنهاد می شود که با اصلاح ساختار آموزشی به فرایند اساسی و بنیادین جامعه‌پذیری سیاسی افراد این مرز و بوم اهمیت بیشتری داده شود. رسانه های گروهی در این میان نقش برجسته‌ای می‌توانند ایفا کنند. نکته دیگر اینکه میانگین نمره جهت گیری احساسی و ارزشیابی افراد نشان دهنده بی تفاوتی آنها می باشد. این بی تفاوتی در دو جهت می تواند حرکت کند، یا به سمت وفاداری و یا به سمت بیگانگی. بنظر می رسد که اصلاح ساختارهای ورودی و خروجی یعنی سیاستگذارها، عملکردها، احزاب، ارتباطات و از مهمترین راههایی می باشد که می توان بوسیله آن به یک فرهنگ سیاسی مشارکتی، وفادار و فعال دست یافت و از بی تفاوتی، بدبینی و بیگانگی سیاسی گریز زد.

یادداشتها

1. Attitudes
2. Political Culture
3. Almond and Powell
4. M. Zonis
5. Almond and Verba
6. Civic Culture
7. Paul Sigmund
8. T. Parsons
9. Cognitive Orientation
10. Affective Orientation
11. Evaluative Orientation
12. Input
13. Output
14. Parochial Political Culture
15. Subject Political Culture
16. Participant Political Culture
17. Survey
18. Statistical Package for Social Sciences
19. R Spearman
20. T. test

۲۱. منزلت شغلی با توجه به مطالعه مقدس (مقدس، (الف):، (۱۳۷۴) سنجیده شده است. در مطالعه مذکور منزلت مشاغل از دیدگاه پاسخگویان رتبه بندی شده است و هر شغلی با توجه به اهمیت خاص خود، رتبه خاصی می گیرد.

۲۲. برای سنجش میزان نفوذ از پاسخگویان پرسیده شد که آنها تا چه حد بر تصمیمات خانوادگی نفوذ دارند که هر پاسخگو یکی از گزینه های مطرح شده در جدول ۵ را مشخص می کرد.

منابع

الف. منابع فارسی

رزاقی، سهراب. (۱۳۷۵). *مؤلفه های فرهنگ سیاسی ما*، مجله نقد و نظر، سال دوم، شماره ۳ و ۴.

سریع القلم، محمود. (۱۳۷۷). *مبانی عشیره ای فرهنگ سیاسی ایران*، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۱۲۸ - ۱۳۵.

مقدس، علی اصغر، الف. (۱۳۷۴). *منزلت شغلی در جامعه شهری ایران*، مورد مطالعه شهر شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم.

مقدس، علی اصغر، ب. (۱۳۷۴). *ساختار و تحرک شغلی در استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد*، دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه (دکتری) رشته جامعه شناسی.

ب. منابع انگلیسی

Almond, G.A. and S. Verba. (1963). *The Civic Culture, Political Attitudes and Democracy in Five Countries*, Boston: Little Brown and company.

Almond, G.A and B. Powell. (1992). *Comparative Politics: A Worldview*, New York: Harper Collins Publishers.

Diamond, L. (1994). *Political Culture and Democracy in Developing Countries*, Lynne Rienner Publishers.

Parsons, T and E. Shils. (1951). *Toward A General Theory of Action*, Harvard University Press.

Zonis, M. (1971). *The Political Elite of Iran*, New Jersey: Princeton University Press.